



The Moderation role of felling of security in the relationship between self-control, wisdom and vitality

Elham Amini, M.A

Psychology, Khomeini Shahr Branch, Islamic Azad University Khomeini Shahr, Isfahan, Iran.

Mohammad Reza Mosahebi, Ph.D

Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Mansooreh Shamsi Soolari, M.A.

Psychology, Khomeini Shahr Branch, Islamic Azad University Khomeini Shahr, Isfahan, Iran

Abstract

The purpose of this study was to investigate of The Moderation role of felling of security in the relationship between self-control, wisdom and vitality in Citizens in city of Isfahan. Research design was correlational relationship. The statistical population was all of male and female Citizens in city of Isfahan in year 2020. The sample included 500 people were selected by simple randomly sampling. The data was collected by use human virtues questionnaire (Thun & Kelloway, 2011), mental vitality questionnaire (Ryan & Fredric, 1997) and felling of security questionnaire (Mosahebi, 2019). Data was analyzed by moderating regression analysis by hierarchical method. Results showed that psychological security has a moderating role between wisdom and vitality. Also, Job security and political security have moderation roles between self-control and vitality ($p < 0.01$).

Keywords: self-control, wisdom, vitality, felling of security, citizens.

نقش تعدیل‌کنندگی احساس امنیت در رابطه معرفت و خویشتنداری با سرزندگی

الهام امینی

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی
شهر، اصفهان، ایران.

محمد رضا مصاحبی*

دکتری روانشناسی، عضو هیات علمی گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد
اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

منصوره شمسی سولاری

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی
شهر، اصفهان، ایران.

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی نقش تعدیل‌کنندگی احساس امنیت در رابطه خویشتنداری و سرزندگی در شهروندان شهر اصفهان بود. طرح پژوهش رابطه‌ای از نوع تحلیل رگرسیون تعدیلی بود. جامعه آماری شامل شهروندان مرد و زن شهر اصفهان در سال ۱۳۹۹ بود. نمونه شامل ۳۸۴ نفر به روش تصادفی در دسترس از بین جامعه آماری انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه فضائل انسانی (Thun & Kelloway, 2011)، پرسشنامه سرزندگی ذهنی (Ryan & Fredric, 1997) و پرسشنامه احساس امنیت (Mosahebi, 2019) جمع‌آوری شدند. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل رگرسیون تعدیلی به روش سلسله‌مراتبی استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که از بین مولفه‌های احساس امنیت، امنیت روانی در رابطه معرفت و سرزندگی نقش تعدیل‌گر دارد. همچنین امنیت شغلی و امنیت سیاسی در رابطه خویشتنداری و سرزندگی نقش تعدیل‌گر ایفا می‌کنند ($p < 0.01$).

کلید واژه‌ها: خویشتنداری، معرفت، سرزندگی، احساس امنیت، شهروندان.

مقدمه

بر طبق دیدگاه روانشناسی مثبت نگر، عدم وجود نشانه‌های بیماری‌های روانی در یک فرد نشان دهنده سالم بودن آن نیست، بلکه وجود نشانه‌های شادمانی، سرزندگی و ویژگی‌های مثبت نشانه سلامت یک فرد بوده و می‌تواند زمینه را برای شکوفایی او و در نهایت شکوفایی یک جامعه فراهم سازد (Bahadori khosroshahi, Hashemi & Babapoor, 2012). فضائل انسانی (Human virtues) از جمله مولفه‌های روانشناسی مثبت است. این مفهوم به طور مستقیم از دیدگاه روانشناسی مثبت‌نگر و مبتنی بر نقاط قوت سرشتی، به متون علمی و حوزه پژوهش راه پیدا نموده است و در طی این سالها تحقیقات بسیاری را هدایت نموده است. فضایل انسانی مطرح در متون علمی حکایت از شش طبقه اصلی از نقاط قوت سرشتی دارد که هریک نیز چند مولفه جزئی‌تر را در زیر چتر خود پوشش می‌دهند. خرد و دانش (wisdom and knowledge) که خود شامل زیرمولفه‌های خلاقیت، کنجکاوی، ذهن باز، عشق به یادگیری و چشم انداز است. خرد و دانش به عنوان نقطه قوت شناختی انسان است که موجب بدست آوردن و استفاده از دانش می‌شود. شجاعت (courage) بعنوان یک نقطه قوت هیجانی است و شامل تمرین و تلاش برای دستیابی به اهداف علیرغم وجود موانع درونی و بیرونی است. شجاعت شامل مولفه‌های صداقت، دلبری، پشتکار، ایستادگی، و رغبت است. طبقه سوم انسانیت و مروت (humanity) است. انسانیت و مروت نقطه قوت انسانی در روابط بین فردی است و شامل مهربانی، عشق و هوش اجتماعی است. نقطه قوت چهارم عدالت (justice) است و شامل انصاف، رهبری و کار تیمی است. عدالت یک نقطه قوت مدنی است و زیربنای یک زندگی جمعی سالم است. نقطه قوت پنجم انسانی؛ اعتدال و میانه روی (temperance) است که انسان و جامعه را در برابر افراط و تفریط محافظت میکند. اعتدال خود شامل زیرمولفه‌های بخشش، فروتنی، احتیاط و خودنظم بخشی است. طبقه ششم و آخر از نقاط قوت انسانی؛ تعالی و ترقی (transcendence) است که موجب پیوند انسان و جهانی بالاتر می‌شود و در نهایت به معناداری زندگی انسان می‌انجامد. این طبقه خود شامل زیرمولفه‌های تلاش برای درک زیبایی و ممتازی، حق شناسی و سپاسگزاری، امیدواری، شوخ

امروزه پیشرفت کشورها در گرو توجه همزمان به تمامی اقسام آن اعم از کودکان، جوانان و سالمندان بطور همزمان است. در این میان توجه به بهزیستی روانشناختی شهروندان یک جامعه با توجه به اینکه واحدهای اصلی تشکیل دهنده یک اجتماع هستند و سعادت آنها در گرو بهزیستی روانشناختی یکدیگر است، و سلامت آنها می‌تواند زمینه ساز رشد و شکوفایی یک کشور باشد، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. بهزیستی روانشناختی در دو دهه اخیر مورد توجه فراوانی از سوی پژوهشگران قرار گرفته است و دامنه مطالعات آن از حوزه فردی به تعاملات اجتماعی کشیده شده است (Cole, 2002). سرزندگی (vitality) از جمله مولفه‌های بهزیستی روانی و ذهنی است که در بسیاری از جوامع توسعه یافته و در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است (Myers, 2000) و میتواند پایه و اساسی برای سلامت روانی یک جامعه و سازش موفقیت آمیز مردم آن با زندگی، علیرغم وجود تهدیدها و شرایط نامطلوب بیرونی باشد (Masten, 2007). احساس سرزندگی نوعی تجربه خاص روانشناختی است که در این تجربه فرد احساس شور زندگی و روحیه می‌کند (Ryan & Fredric, 1997). سرزندگی، انرژی نشأت گرفته از خود است، که این انرژی از منابع درونی و نه تهدید اشخاص در محیط بیرونی نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر؛ سرزندگی احساس سرزنده بودن و نه تحریک و اجبار به نشان دادن آن است (Bostic, 2003). به هر میزان که افراد کمتر دچار تعارض باشند، از ساز و کار سرکوب رهایی یافته و احساس سرزندگی، خلاقیت، خودشکوفایی و انرژی در آنها بیشتر میشود (Ryan, Weinstein, Bernstein, Brown, Mistretta & et al, 2010). در حقیقت موفقیت افراد در کارهای خودجوش نسبت به کارهایی که از طرف خارج فرد کنترل و هدایت می‌شوند، باعث سرزندگی بیشتر در آنها می‌شود و در نتیجه این افراد کمتر احساس خستگی و ناامیدی می‌کنند و انرژی و نیروی حرکت در آنان بیشتر می‌شود (Ryan & Fredric, 1997). بر این اساس، توجه به سرزندگی بعنوان یک نیروی محرکه قوی برای بهزیستی روانشناختی یک جامعه و در نهایت پیشرفت آن بسیار حائز اهمیت است.

طبعی، و دین داری است (Golparvar, 2016).

روانشناسی مثبت نگر در جستجوی زندگی خوب و در پی مطالعه علمی عملکرد انسان آرمانی است و بجای تمرکز بر نقاط ضعف انسانی بر نقاط قوت آنها متمرکز است (Pirani, 2014). روانشناسی مثبت نگر با داشتن دیدی خوشبینانه نسبت به انسان‌ها و تاکید بر جنبه‌های مثبت انسانی سعی در بهبود روند زندگی انسانها داشته و با دیدی پر امید به مسائل انسانی نگاه می‌کند. اهمیت این موضوع در پژوهش‌های مربوط به فضائل انسانی که یک رکن اساسی روانشناسی مثبت هستند بخوبی مشخص است. برونه و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود دریافتند که سه فضیلت انسانیت، عدالت و تعالی رابطه مثبت معناداری با بهزیستی روانشناختی و بهبود روابط بین فردی دارند (Browne, Estroff, Ludwig, Merritt, Meyer, et al, 2018). همچنین نتایج تحقیقات دیگر پژوهشگران نشان داده است که فضائل انسانی در گذر عمر و با افزایش سن در حال تحول است (McCrae, Costa, et al, 1999, Roberts & de Lima, Simões, Ostendorf, et al, 2018, Chopik & Kitayama, 2018, Mroczek, 2008). و در نتیجه در بزرگسالی می‌توان شاهد توسعه و بهبود نقاط قوت انسانی در زنان و مردان بود. در ایران، ماه آور پور، اسعدی و بخشایش (۱۳۹۸) در پژوهش خود دریافتند که خلاقیت، ژرف نگری، عشق به یادگیری، صداقت، پشتکار و سرزندگی، هوش اجتماعی، خودتنظیمی، آینده نگری، تواضع، امید، شوخ طبعی، قدرشناسی، انصاف و برابری در گذر زمان در جوانان تا میان سالی در حال افزایش می‌باشد، ولی در جمعیت سالخورده تر در گذر زمان رو به کاهش است. بر این اساس توجه به دیگر متغیرهای تاثیرگذار در این زمینه حائز اهمیت است (Mahavarpoor, F., Asadi, S., Bakhshayesh, 2019).

می‌کند که فرد در آن آرامش روحی و جسمی را احساس میکند (Rajabipour, 2003). دیدگاه‌های متفاوتی در مورد احساس امنیت وجود دارند، ولی چیزی که در همه آنها مشترک است این است که امنیت یک مفهوم چند بعدی است و همچنین در شرایط و افراد مختلف بگونه‌ای متفاوت ادراک می‌شود (Delavar & et al, 2005). با این حال، عمده‌ترین مولفه‌های احساس امنیت عبارتند از؛ برخورداری از رفاه و تامین اجتماعی، فقدان جرم و جنایت، فقدان شرایط و موقعیتهای خطرناک و مخاطره آمیز، و داشتن امنیت جانی، مالی، اقتصادی و شغلی (Sajadi, 2007).

در مورد ارتباط احساس امنیت با سرزندگی و فضائل انسانی چندین پژوهش به نتایجی قابل تامل دست یافته‌اند. نتایج پژوهش لیگا و همکاران (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که احساس امنیت یکی از مولفه‌های بسیار تاثیرگذار بر احساس سرزندگی در جوانان است، بطوریکه جوانانی که از احساس امنیت برخوردارند سرزندگی و روحیه بالاتری را در خود احساس می‌کنند (Liga, Shchetkina & Zakharova, 2019). همچنین کارک و کارملی (۲۰۰۹) در پژوهش خود دریافتند که امنیت روانی با سرزندگی و خلاقیت در کار رابطه دارد و سرزندگی می‌تواند منجر به پیوندهای رابطه بین امنیت روانی و خلاقیت در کار شود و در این رابطه نقش میانجی را ایفا کند (Kark & Carmeli, 2009). Browne & et al (2018) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که فضائل انسانی رابطه معناداری با بهزیستی روانشناختی انسانها دارد (Browne & et al, 2018). همچنین، در پژوهش‌های داخلی، نتایج پژوهش سپهوند و جعفری (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری با احساس نشاط اجتماعی و سرزندگی در جوانان دارد (Sepahvand & Jafari, 2016). صالحی امیری و سیاح البرزی (۱۳۹۵) در پژوهش خود دریافتند که امنیت مالی میتواند تمام مولفه‌های بهزیستی روانشناختی و جسمانی را در زنان پیش بینی نماید، ولی امنیت جانی تنها قادر به پیش بینی بخشی از بهزیستی روانشناختی و جسمانی آنان است (Salehiamiri & Sayahalborzi, 2016). با این وجود، پژوهشی که بطور همزمان ارتباط مولفه‌های بهزیستی روانشناختی (فضائل انسانی و سرزندگی) و هم چنین

از جمله متغیرهای اثرگذار بر نقاط قوت انسانی و سرزندگی، متغیر احساس امنیت (felling of security) است. احساس امنیت در امان بودن یا در امان حس کردن جان، مال، هویت و ارزش‌های خود از تهدید، صدمه، آسیب و نبود دغدغه تامین نیازهای معقول حال و آینده می‌باشد (Delavar & Jahantab, 2010). احساس امنیت، احساس آزادی نسبی از مخاطره است. این احساس وضع خوشایندی را در افراد ایجاد

ابعاد مختلف احساس امنیت را مد نظر قرار داده باشد یافت نشد. همچنین توجه بیشتر به متغیر احساس امنیت و بررسی نقش تعدیلگری آن در رابطه فضائل انسانی و سرزندگی می‌تواند زمینه ساز پژوهش‌های بیشتر در این زمینه و توجه بیشتر به مسائل روانشناختی شهروندان و استفاده از ظرفیت آنها برای شکوفایی و پیشرفت یک کشور باشد. در نتیجه هدف از این پژوهش بررسی رابطه خویش‌تنداری و معرفت با سرزندگی با توجه به نقش تعدیلگری احساس امنیت در شهروندان شهر اصفهان بود. فرضیه‌های این پژوهش عبارت بودند از:

فرضیه ۱: خویش‌تنداری با سرزندگی رابطه معناداری دارد.

فرضیه ۲: معرفت با سرزندگی رابطه معناداری دارد.

فرضیه ۳: احساس امنیت روانی نقش تعدیل‌کنندگی در رابطه خویش‌تنداری و سرزندگی دارد.

فرضیه ۴: احساس امنیت جانی رابطه بین ابعاد فضائل انسانی و سرزندگی را تعدیلگری میکند.

فرضیه ۵: احساس امنیت سیاسی رابطه بین ابعاد فضائل انسانی و سرزندگی را تعدیل‌گری می‌کند.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: طرح این پژوهش رابطه ای از نوع تحلیل رگرسیون تعدیلی بود. جامعه آماری شامل کلیه شهروندان بزرگسال شهر اصفهان در سال ۱۳۹۹ بود، که از بین آنها مطابق با جدول تعیین حجم نمونه Krejcie & Morgan (1970) تعداد ۳۸۴ نفر به روش تصادفی در دسترس انتخاب گردید. میانگین سن افراد نمونه ۴۷ سال بود. ۶۷ درصد افراد نمونه مرد و ۱۶ درصد آنها زن بودند. همچنین از نظر تحصیلات ۳۷ درصد زیردیپلم، ۲۶/۸ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۲۹/۲ درصد لیسانس و ۷ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند. از نظر وضعیت تاهل نیز ۳۲/۸ مجرد، ۵۴/۴ درصد متأهل، ۱۲/۸ درصد مجرد دارای فرزند بودند.

ابزار سنجش:

پرسشنامه فضائل انسانی (human virtues questionnaire): این پرسشنامه توسط (Thun &

(Kelloway, 2011) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای سه خرده مقیاس، معرفت (۵ سوال)، انسانیت (۴ سوال) و خویش‌تنداری (۵ سوال) است. ترتیب سوالات مطرح برای هر یک از فضایل انسانی سه گانه در این پرسشنامه به این شرح است: ۱- معرفت (سوالات ۱ تا ۵)، ۲- انسانیت (سوالات ۶ تا ۹) و ۳- خویش‌تنداری (سوالات ۱۱ تا ۱۴). تان و کلوی، (۲۰۱۱) در پرسشنامه اصلی محور اصلی در سوالات را بر سنجش فضایل انسانی در رهبر درون سازمان‌ها متمرکز نموده اند. با این حال ماهیت سوالات به گونه ای است که می‌توان آن را با تغییراتی جزئی برای کلیه افراد مورد استفاده قرار داد. به همین منظور در ترجمه و آماده سازی این پرسشنامه در ایران سوالات به گونه‌ای ارائه شده تا فضایل انسانی را در فرد پاسخگو مورد سنجش قرار دهد. Thun & Kelloway (2011) شواهدی از روایی این پرسشنامه بر مبنای تحلیل عاملی اکتشافی و بررسی همبستگی بین احترام و وفاداری در سرپرستان ارائه نموده اند. همچنین Thun & Kelloway (2011) آلفای کرونباخ معرفت، انسانیت و خویش‌تنداری را به ترتیب برابر ۰/۸۹، ۰/۹، ۰/۸۴ گزارش نموده اند. در پژوهش گزارش شده روایی سازه این پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش از نوع واریماکس بررسی شده است. نتایج این بررسی نشان داد که این پرسشنامه بر اساس شاخص‌های آماری مطرح در تحلیل عاملی اکتشافی (KMO) برابر با ۰/۹۷، آزمون کرویت بارتلت برابر ۱۰۸۹۰/۸۹ و $P < ۰/۰۰۱$ و بارهای عاملی ۰/۶ برای سوال اول تا ۰/۸ برای سوال پنجم) دارای روایی سازه مناسبی است. همچنین آلفای کرونباخ معرفت، انسانیت و خویش‌تنداری را به ترتیب برابر با ۰/۹۲، ۰/۹، ۰/۹۳ و آلفای کرونباخ کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۶ به دست آمده است. آلفای کرونباخ بدست آمده برای پرسشنامه کلی در پژوهش حاضر ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس‌های آن بین ۰/۸۵ الی ۰/۹۲ بدست آمده است. یک نمونه از سوالات این پرسشنامه عبارتست از: «بدنبال راه حل‌های منحصر بفرد برای حل مشکلات یا کارها هستم».

امنیت سیاسی. نمره گذاری آن بر حسب طیف لیکرت پنج درجه ای از (کاملاً مخالفم=۰) تا (کاملاً موافقم=۴) است. در پژوهش مصاحبی (۱۳۹۸) آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های امنیت روانی، شغلی، اقتصادی، جانی، سیاسی، و امنیت کل بترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۶۷، ۰/۷۲، ۰/۶۱، ۰/۶۴ و ۰/۸۲ بدست آمده و گزارش شده است. آلفای کرونباخ بدست آمده برای این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۷۱ و برای خرده مقیاس‌های آن بین ۰/۶۵ الی ۰/۷۸ بدست آمده است. یک نمونه از سوالات این پرسشنامه عبارتست از: «بیماری یا هر مشکل جسمانی دیگر به درآمد شغلی ام آسیب نمیزند» (Mosahebi, 2019).

روش اجرا و تحلیل داده‌ها:

در این پژوهش، پس از فراهم نمودن مقدمات پژوهش، پرسشنامه‌ها بین اعضای نمونه توزیع گردید. اعضای نمونه همچنین از نظر هدف پژوهش و محرمانه ماندن اطلاعات آنها نزد پژوهشگر توجیه شدند. سپس به پرسشنامه‌های مربوطه بصورت خودگزارشی پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون تعدیلی به شیوه سلسله مراتبی در نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ استفاده شد. برای بررسی معناداری مدل‌های تعدیلی از برنامه ماکرو (Andrew & Hayes) استفاده شد.

یافته‌ها

میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آورده شده است.

پرسشنامه سرزندگی (mental vitality questionnaire):
این پرسشنامه توسط (Ryan & Fredric, 1997) ساخته شده است که از پژوهش Bostic, Rubio & Hood (2000) اقتباس شده است. شیوه نمره گذاری این پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۵ درجه ای (کاملاً غلط است=۱، غلط است=۲، نه درست است=۳، درست است=۴، کاملاً درست است=۵) است. Bostic, Rubio & Hood (2000) از طریق تحلیل عاملی تأییدی در دو گروه نمونه مستقل، روایی سازه این پرسشنامه را مستند نموده اند. آلفای کرونباخ این پرسشنامه نیز در دو نمونه به ترتیب برابر با ۰/۸۰ و ۰/۸۹ گزارش شده است (Bostic, Rubio & Hood, 2000). رایان و فردریک نیز که هفت سوال نهایی این مقیاس را از میان شانزده سوال در میان سه نمونه انتخاب و بررسی نموده اند، از طریق تحلیل عاملی اکتشافی روایی سازه این پرسشنامه را مستند و آلفای کرونباخ آنرا در سه مطالعه به ترتیب برابر با ۰/۸۴، ۰/۸۴ و ۰/۸۶ گزارش نموده اند (Ryan & Fredric, 1997) که حاکی از پایایی بسیار بالای این پرسشنامه است. آلفای کرونباخ بدست آمده برای این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۷۹ بدست آمده است. یک نمونه از سوالات این پرسشنامه عبارتست از: «گاهی اوقات آنقدر احساس سرزنده بودن می‌کنم که فقط می‌خواهم منفجر شوم».

پرسشنامه احساس امنیت (felling of security): این پرسشنامه توسط مصاحبی (۱۳۹۸) ساخته شده است و دارای ۲۰ سوال است. این پرسشنامه دارای پنج خرده مقیاس است؛ امنیت روانی، امنیت شغلی، امنیت اقتصادی، امنیت جانی، و

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین معرفت، خویشنداری و سرزندگی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	معرفت	خویشنداری	سرزندگی
معرفت	۱۳/۳۲	۴/۱۳	۱	۰/۲۶۷**	۰/۱۹۱**
خویشنداری	۱۴/۳۰	۴/۰۹	۰/۲۶۷**	۱	۰/۱۹۱**
سرزندگی	۱۹/۵۴	۷/۱۷	۰/۱۹۱**	۰/۱۹۱**	۱

p<۰/۰۱**

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که معرفت و خویش‌انداری با سرزندگی رابطه مثبت معناداری دارند ($P < 0/05$)، در نتیجه فرضیه‌های اول و دوم پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرند و جدول ۲ الی ۵ آورده شده‌اند.

جدول ۲: نتایج تحلیل نقش تعدیلی امنیت روانی در رابطه معرفت و سرزندگی

متغیر	R	R2	F	Sig F	B	SEB	T	Sig t
معرفت	۰/۲۵۸	۰/۰۶۷	۸/۸۸	۰/۰۰۱	۰/۱۱۳	۰/۱۲۲	۰/۹۲۹	۰/۳۵۳
امنیت روانی	۰/۲۵۸	۰/۰۶۷	۸/۸۸	۰/۰۰۱	-۰/۵۲۳	۰/۲۳۱	-۲/۲۶۲	۰/۰۲۴
جمله تعاملی (معرفت × امنیت روانی)					۰/۰۳۴	۰/۰۱۷	۲/۰۶۸	۰/۰۳۹

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون تعدیلی برای فرضیه یک نشان داد که امنیت روانی فقط در رابطه بین بُعد معرفت از فضائل انسانی و سرزندگی معنادار می‌باشد. بر طبق نتایج جدول ۲، معناداری آماره F ($p < 0/01$) نشان می‌دهد که مدل مفهومی بررسی نقش تعدیلی امنیت روانی در رابطه معرفت و سرزندگی معنادار می‌باشد. در بررسی اثرات اصلی و تعاملی

مشخص شد که جمله تعاملی (معرفت × امنیت روانی) که مهمترین بخش تحلیل تعدیلی است در این مدل معنادار شده است ($p < 0/05$). در نتیجه متغیر امنیت روانی در رابطه معرفت و سرزندگی بعنوان تعدیلگر ایفای نقش می‌کند. بر اساس این نتایج، فرضیه سوم پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد.

جدول ۳: نتایج تحلیل نقش تعدیلی امنیت شغلی در رابطه خویش‌انداری و سرزندگی

متغیر	R	R2	F	Sig F	B	SEB	t	Sig T
خویش‌انداری	۰/۲۱۰	۰/۰۴۴	۷/۶۵	۰/۰۰۱	۰/۰۶۰	۰/۱۵۵	۰/۳۸۷	۰/۶۹۸
امنیت شغلی	۰/۲۱۰	۰/۰۴۴	۷/۶۵	۰/۰۰۱	-۰/۵۲۹	۰/۲۶۸	-۱/۹۷۰	۰/۰۴۹
جمله تعاملی (خویش‌انداری × امنیت شغلی)					۰/۰۳۷	۰/۰۱۸	۲/۰۲۶	۰/۰۴۳

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون تعدیلی برای فرضیه دوم نشان داد که امنیت شغلی فقط در رابطه بین بُعد خویش‌انداری از فضائل انسانی و سرزندگی معنادار می‌باشد. بر طبق نتایج جدول ۳، معناداری آماره F ($p < 0/01$) نشان می‌دهد که مدل مفهومی بررسی نقش تعدیلی امنیت شغلی در رابطه خویش‌انداری و سرزندگی معنادار می‌باشد. در بررسی اثرات اصلی و تعاملی مشخص شد که جمله تعاملی (خویش‌انداری × امنیت شغلی) که مهمترین بخش تحلیل تعدیلی است در این مدل معنادار شده است ($p < 0/05$). در نتیجه متغیر امنیت شغلی در رابطه خویش‌انداری و سرزندگی بعنوان تعدیلگر ایفای نقش می‌کند. بر اساس این نتایج، فرضیه چهارم پژوهش نیز مورد تایید قرار گرفت.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون تعدیلی برای فرضیه دوم نشان داد که امنیت شغلی فقط در رابطه بین بُعد خویش‌انداری از فضائل انسانی و سرزندگی معنادار می‌باشد. بر طبق نتایج جدول ۳، معناداری آماره F ($p < 0/01$) نشان می‌دهد که مدل مفهومی بررسی نقش تعدیلی امنیت شغلی در رابطه خویش‌انداری و سرزندگی معنادار می‌باشد. در بررسی اثرات اصلی و تعاملی مشخص شد که جمله تعاملی (خویش‌انداری × امنیت شغلی) که مهمترین بخش تحلیل تعدیلی است در این مدل معنادار شده است ($p < 0/05$). در نتیجه متغیر امنیت شغلی در رابطه خویش‌انداری و سرزندگی بعنوان تعدیلگر ایفای نقش می‌کند. بر اساس این نتایج، فرضیه چهارم پژوهش نیز مورد تایید قرار گرفت.

جدول ۴: نتایج تحلیل نقش تعدیلی امنیت سیاسی در رابطه خویش‌اندازی و سرزندگی

متغیر	R	R2	F	Sig F	B	SEB	t	Sig t
خویش‌اندازی					۰/۰۴۱	۰/۱۳۶	۰/۳۰۲	۰/۷۶۲
امنیت سیاسی	۰/۲۴۵	۰/۰۶۰	۱۰/۵۸	۰/۰۰۱	-۰/۴۱۲	۰/۲۳۵	-۱/۷۵۴	۰/۰۸۰
جمله تعاملی (خویش‌اندازی × امنیت سیاسی)					۰/۰۴۱	۰/۰۱۶	۲/۵۲۶	۰/۰۱۲

Kark & Carmeli, 2009, Browne & et al, 2018, Sepahvand & Jafari, 2016, Salehiamiri & Sayahalborzi, 2016). در تبیین یافته‌های مربوط به فرضیه اول می‌توان چنین بیان نمود که افرادی که دارای دانش و معرفت بالاتری باشند طبیعتاً احساس سرزندگی بیشتری را حس می‌کنند و این افراد در مواردی که احساس امنیت روانی آنها دستخوش تغییر می‌شود، هر چه آگاهی و دانش بیشتری در رابطه با مسائل روزمره داشته باشند، امکان حل مشکل توسط خود را یحتمل‌تر می‌دانند، در نتیجه با تکیه بر دانش و معرفت خود می‌توانند احساس سرزندگی بیشتری را تجربه کنند. بعبارت دیگر هر چه فرد از نظر فضائل انسانی در مرتبه بالاتری از معرفت و دانش قرار داشته باشد، با تکیه بر آگاهی خود می‌تواند امنیت روانی از دست رفته را بازیابی کند و در نتیجه حتی در شرایط نامساعد، حس سرزندگی و روحیه بیشتری را در خود احساس کند. در تبیین یافته‌های مربوط به فرضیه دوم می‌توان چنین گفت که هر چه فرد از نظر خویش‌اندازی و کنترل خود در درجه بالاتری قرار داشته باشد، با فراهم آوردن امنیت شغلی و جایگاه شغلی محکم‌تر برای خود می‌تواند سرزندگی بیشتری را تجربه کند. بعبارت دیگر امنیت شغلی بالا بستری را فراهم می‌آورد که کسانی که از نظر خودکنترلی در محیط کار در درجه بالاتری هستند، احساس سرزندگی بالاتری را نیز در خود حس کنند. در تبیین فرضیه پنجم پژوهش نیز می‌توان چنین بیان نمود که افرادی که دارای خودکنترلی و خویش‌اندازی بالاتری هستند، در زمینه‌های سیاسی نیز کمتر اظهار نظر می‌کنند و در نتیجه با فراهم آوردن امنیت سیاسی برای خود، همواره احساس سرزندگی و نشاط بیشتری را تجربه می‌کنند. این پژوهش نیز همانند دیگر

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون تعدیلی برای فرضیه پنجم نشان داد که امنیت سیاسی فقط در رابطه بین بُعد خویش‌اندازی از فضائل انسانی و سرزندگی معنا دار می‌باشد. بر طبق نتایج جدول ۳، معناداری آماره F ($p < 0/01$) نشان می‌دهد که مدل مفهومی بررسی نقش تعدیلی امنیت سیاسی در رابطه خویش‌اندازی و سرزندگی معنا دار می‌باشد. در بررسی اثرات اصلی و تعاملی مشخص شد که جمله تعاملی (خویش‌اندازی × امنیت سیاسی) که مهمترین بخش تحلیل تعدیلی است نیز در این مدل معنا دار شده است ($p < 0/01$). در نتیجه متغیر امنیت سیاسی در رابطه خویش‌اندازی و سرزندگی بعنوان تعدیلگر ایفای نقش می‌کند. بر اساس این نتایج، فرضیه پنجم پژوهش نیز مورد تایید قرار گرفت.

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش بررسی ارتباط معرفت و خویش‌اندازی با سرزندگی با توجه به نقش تعدیلی احساس امنیت در شهروندان شهر اصفهان بود. نتایج پژوهش حاکی از معناداری دو مدل از پانزده مدل تعدیلی آزمون شده و تایید قسمتهایی از فرضیه‌های اول، دوم و پنجم پژوهش بود (جدول ۲ الی ۴). نتایج در مورد فرضیه اول حاکی از وجود نقش تعدیلی احساس امنیت روانی در رابطه معرفت و سرزندگی بود. همچنین نتایج فرضیه‌های دوم و پنجم حاکی از تایید نقش تعدیلی امنیت شغلی و امنیت سیاسی در رابطه خویش‌اندازی با سرزندگی بودند. این یافته‌ها تا حدودی با نتایج پژوهش‌های لیگا و همکاران (۲۰۱۹)، کارک و کارملی (۲۰۰۹)، برونه و همکاران (۲۰۱۸)، سپهوند و جعفری (۱۳۹۵) و صالحی امیری و سیاح البرزی (۱۳۹۵) همسو است (Liga & et al, 2019,)

- Cole, K. (2002). Well-being, psychological capital, and unemployment. *Journal of Health psychology*, 33(3), 122-139.
- Delavar, A., Jahantab, M. (2010). The effect of social capital on the feeling of security, *Social Studies Quarterly*, 27, 73-95.
- Delavar, A. & et al. (2005). Research Guide for measuring NAJA security sense test: Tehran, Office of Applied Research, *NAJA Planning and Program Deputy*
- Golparvar, M. (2016). *Positive Organizational Psychology / Emotional Capital: Functions and Necessities*, Tehran: Jangal Publications
- Kark, R., & Carmeli, A. (2009). Alive and creating: The mediating role of vitality and aliveness in the relationship between psychological safety and creative work involvement. *Journal of Organizational Behavior: The International Journal of Industrial, Occupational and Organizational Psychology and Behavior*, 30(6), 785-804.
- Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and psychological measurement*, 30(3), 607-610.
- Liga, M. B., Shchetkina, I. A., & Zakharova, E. Y. (2019). Social security of young people in the context of the vitality concept. In International Conference on Sustainable Development of Cross-Border Regions: Economic, *Social and Security Challenges* (ICSDCBR 2019). Atlantis Press.
- Mahavarpour, F., Asadi, S., Bakhshayesh, AR. (2019). Development of Changes in Virtues and Character Strengths in Adulthood with Regard to Gender Differences, *Positive Psychology Research*, 5, 1, 70-88.
- Masten FS. (2007) *Resilience in developing system: Progress and Promise as the forth ware rices*. *Development and Psychology*, 19: 921-930.
- McCrae, R. R., Costa, P. T., de Lima, M. P., Simões, A., Ostendorf, F., Angleitner, A., ... & Chae, J. H. (1999). Age differences in personality across the adult life span: parallels in five cultures. *Developmental psychology*, 35(2), 466.
- Myers, D. G. (2000). The funds, friends, and faith of happy people. *American psychologist*, 55(1), 56.
- پژوهش‌های دارای محدودیت‌هایی است که تعمیم یافته‌ها باید با توجه به آنها انجام گیرد؛ اول اینکه این پژوهش از نوع رابطه ای است و استنباط نتایج علت و معلولی از آن اشتباه است و نباید هر یک از متغیرهای فضائل انسانی یا احساس امنیت را بعنوان علت متغیر سرزندگی دانست. همچنین این پژوهش بر روی شهروندان بزرگسال از جوان تا مسن شهر اصفهان انجام گرفته است و نباید نتایج آن را فقط به جامعه جوانان تعمیم داد. همچنین در تعمیم یافته‌ها به شهروندان دیگر شهرها و استان‌ها باید جانب احتیاط را رعایت نمود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که این پژوهش برای داشتن نتایج دقیق‌تر و قابل تعمیم‌تر بر روی گروه‌های سنی جداگانه انجام گیرد و همچنین در شهرها و استانهای مختلف تکرار گردد. به مسئولان امور شهروندی پیشنهاد می‌شود که در تصمیم‌گیری در مورد برنامه‌های شهروندی یا سیاستهای توسعه فرهنگی و اجتماعی، این مسائل روانشناختی را مد نظر قرار دهند و از یافته‌های این پژوهش در تصمیم‌گیری‌های خود استفاده کنند.

منابع

- Bahadori khosroshahi, J. Hashemi, T & Jalil Babapour, KH (2012). *The relationship between psychological capital and social capital of students*, Tabriz University. *Journal of Research and Health*, Gonabad, vol 2, NO1, Pp 145-153.
- Bostic, T. J. (2003). *Constructive thinking, mental health, and physical health: An explanatory model of correlated constructs* in health psychology.
- Bostic, T. J., Rubio, D. M., & Hood, M. (2000). A validation of the subjective vitality scale using structural equation modeling. *Social Indicators Research*, 52(3), 313-324.
- Browne, J., Estroff, S. E., Ludwig, K., Merritt, C., Meyer-Kalos, P., Mueser, K. T., ... & Penn, D. L. (2018). Character strengths of individuals with first episode psychosis in Individual Resiliency Training. *Schizophrenia research*, 195, 448-454.
- Chopik, W. J., & Kitayama, S. (2018). Personality change across the life span: Insights from a cross-cultural, longitudinal study. *Journal of personality*, 86(3), 508-521.

- psychological science*, 17(1), 31-35.
- Salehiamiri, R. & Sayahalborzi, H. (2016). The effect of feeling of social security (financial and life security) on the psychological, social and physical well-being of women in District 12 of Tehran, *Journal of Social Security Studies*, 46, 1-20.
- Sepahvand, R. & Jafari, S. (2016). The effect of feeling of social security on capital and social vitality, *Social Capital Management Quarterly*, 3, 4, 521-541.
- Thun, B., & Kevin Kelloway, E. (2011). Virtuous leaders: Assessing character strengths in the workplace. *Canadian Journal of Administrative Sciences/Revue Canadienne des Sciences de l'Administration*, 28(3), 270-283.
- Pirani, M. (2014). A Look at Hafez Poetry with a Positive Psychological Approach by Martin Seligman. *7th Persian Language and Literature Research Conference*. March 2014, 357-338.
- Rajabipour, M. (2003). An introduction to the feeling of security in the context of objective security, *Journal of Law Enforcement Research*, 2, 18, 7-32.
- Ryan, R. M., & Fredric, C. (1997). On energy, personality, and health: Subjective vitality as a dynamic reflection of well-being. *Journal of personality*, 65, 3, 529-565.
- Ryan, R.M., Weinstein, N., Bernstein, J., Brown, K. W., Mistretta, L., & Gagne. M. (2010). Vitalizing effects of being outdoors and in nature, *Journal of Environmental psychology*, 30, 159-168.
- Roberts, B. W., & Mroczek, D. (2008). Personality trait change in adulthood. *Current directions in*